

شمول حکم برای عالم و جاهل

سوال: آیا شارع مقدس احکام شرعی را، هم برای عالمین به آن وضع کرده هم برای جاهلین به آن، یا فقط برای عالمین به آن حکم شرعی وضع کرده است؟

دیدگاه اول:

احکام شرعی اعم از تکلیفی و وضعی اختصاص به عالم ندارد بلکه مساوی بین عالم و جاهل است. (پاورقی
ماشیه امامیه قائل به همین دیدگاه هستیم یعنی می‌گوییم جعل احکام متوقف بر علم مکلف نیست)

به چهار دلیل:

۱. اخبار مستفیضه (بلکه متواتره)

۲. اطلاق ادله احکام: ادله‌ای که احکام شرعی را ثابت می‌کنند دارای اطلاق هستند و مقید به عالم بودن نشده است.

۳. اجماع (اجماع بین علمای شیعه)

۴. محال بود اختصاص حکم به عالم به دلیل عقلی: علامه حلی این دلیل را بیان کرده و برهانی بر آن اقامه فرمودند

به این بیان که: اگر شارع فرموده باشد يجب الحج علی العالم بوجوبه، چه زمانی ما می‌توانیم به حکم شرعی علم پیدا کنیم؟ زمانی که آن حکم شرعی جعل شده باشد

پس تا حکم نیاید، ما به آن علم پیدا نمی‌کنیم

و تا ما علم پیدا نکنیم حکم نمی‌آید،

و این می‌شود دور مصرح و توقف الشئ علی نفسه، و این محال است (وجود علم متوقف بر وجود معلوم، و وجود معلوم متوقف بر علم شده است).

جواب شهید صدر به علامه حلی: در اینجا شما دچار خلطی شده اید (خلط میان علمی که در موضوع اخذ می‌شود و علمی که مکلف به حکم پیدا می‌کند)

توضیح جواب: هر حکمی دو مقام دارد:

۱. مقام تشریح (مقام ثبوت)

۲. مقام تبلیغ (اثبات)

مرحله اول: که مقام جعل و تشریح است، یعنی شارع حکم را جعل می کند

مرحله دوم: خداوند این حکم را مثلا در قرآن می آورد و می شود مقام اثبات و تبلیغ و مکلف، به چنین حکمی علم پیدا می کند.

مرحله سوم: بعد از علم پیدا کردن مکلف، به حکم، این حکم نسبت به او فعلیت پیدا می کند که به آن مجعول می گویند.

با این توضیح اگر شما میان جعل و مجعول تفاوت بگذارید اشکال شما درست می شود، زیرا:

آن چیزی که متوقف است بر علم مکلف جعل نیست بلکه مجعول است، یعنی فعلیت یافتن حکم، متوقف است بر علم مکلف، نه اصل تشریح و فعل و قانون گذاری آن، مثلا فرض کنید احکامی در اسلام هست که به ما نرسیده در حالی که جعل شده اند ولی برای ما فعلیت پیدا نکرده، چون ما به آن احکام علم نداریم.

پس آنچه که متوقف است بر علم مکلف مجعول است نه خود جعل.

دیدگاه دوم:

احکام فقط شامل عالمین به احکام می شود نه جاهل به حکم.

دیدگاه سوم:

غالب احکام شامل عالمین به حکم می شود و تعداد اندکی از احکام هستند که با دلیل خاص شامل جاهل به حکم هم می شود.

* بنابر اینکه گفتیم احکام مشترک میان عالم و جاهل است: سه قول نسبت به مکلف جاهلی که رجوع به امارات و اصول می کند وجود دارد

الف) مخطئه (شیعه امامیه): گاهی به واقع می رسد و گاهی خطا می کند و به واقع نمی رسد ولی حکم واقعی خداوند ثابت است به عبارت دیگر اگر مجتهد به خطا رفت (والبته این خطا مغتفر است) و حکم واقعی خداوند را به دست نیاورد این نیست که خداوند هم حکمی نداشته است.

ب) تصویب اشعری (منسوب به اشاعره): احکام الهی آن چیزی است که مجتهد بوسیله اماره و اصول بدست می آورد، یعنی خداوند تبارک و تعالی از اساس حکمی ندارد و آنچه مجتهد به آن می رسد حکم خدا هست.

ج) تصویب معتزلی (منسوب به معتزله): حکم الله واقعی وجود دارد منتهی اگر مودّای اماره و اصل، غیر از حکم واقعی درآمد، حکم واقعی به حکمی که مجتهد بدست آورده تبدّل پیدا می کند.

* اما قول دوم واضح البطلان است: به این بیان که اگر کلام شما صحیح باشد پس ارسال رسل چه دلیلی داشت یا چرا اصلا خدا کتابی فرستاد پس نشان می دهد ارسال رسل و نزول کتب آسمانی همه برای اخبار از واقعیتی است.

* امام قول سوم هم باطل است: این قول هر چند محذور عقلی ندارد ولی با ادله نقلی رد می کنیم زیرا مخالف ظواهر ادله است

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفا ایرادات احتمالی را حتما اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه ثالثه ۳ halqeh